



الچین پویر از لار

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، بزرگ‌ترین قمار سیاسی حیات سیاسی خود را برای حفظ جایگاهش در قدرت انجام می‌دهد؛ آن‌هم در حالی‌که افکار عمومی حتی در پایگاه‌های سنتدی و محافظه‌کار- به شدت

علیه او تغییر جهت داده است. حال در میان ناظران و تحلیلگران این سوال برجسته شده‌است، هدف اردوغان چیست؟ گروهی از کارشناسان در پاسخ می‌گویند، هدف رهبر ترکیه جذب‌اقلیت‌بزرگ کردهااز طریق پایان دادن به یکی از پیچیده‌ترین وریشه‌دارترین منازعات سیاسی و نظامی ترکیه‌است؛ نزاعی که در طول چهار دهه، حدود ۴۰ هزار کشته بر جای گذاشته و زخم‌های عمیقی بر پیکره حیات اجتماعی کشور وارد کرده‌است.

#### بازی سیاسی اردوغان!

دومین سوالی که در کانون توجه‌ها قرار گرفته، آن است که اردوغان برای تحقق این هدف چه اهمی دارد و چه گام‌هایی برمی‌دارد؟ در پاسخ برخی ناظران بر این باورند که، فراهم کردن جایگاهی در سیاست ترکیه برای عبدالله‌وجالان، رهبر محبوبی حزب غیرقانونی کارگران کردستان (پ.ک.ک) -سازمانی که مدت‌هاست ازسوی آنکارا، ایالات متحده و اتحادیه اروپا در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد- یکی از اهداف رئیس‌جمهوری ترکیه‌است. حال اگر اردوغان به چنین گزراه‌ای بیندیشد، نشانه‌ای آشکار از افول شدیدی در موقعیت سیاسی‌اش است؛ اما این رهبر پوپولیست به خوبی می‌داند که اکنون زمان آن فرا رسیده که جایگاه خود به عنوان رئیس‌جمهور -و شاید رهبری مادام‌العمر- را تثبیت کند و گرنه خطر حذف کامل از صحنه سیاست را باید بپذیرد. اردوغان از زمان شکست‌های سنگینی که در انتخابات شهرداری‌های سال ۲۴-۲۰۱۲سوی اپوزیسیون سکولار محتمل شد -به‌ویژه در پایگاه‌های سنتی محافظه‌کار- بیش از هر زمان دیگر به‌سوی اقتدار گرای کامل پیش رفته‌است. شهردار استانبول، اکرم امام‌اوغلو، روانه زندان شده و نیروهای امنیتی عملیات گسترده‌ای در سراسر کشور برای بازداشت شهردان اپوزیسیون به راه‌انداخته‌اند. از همین رو بسیاری از متحدانی که در گذشته اردوغان را در مسیر قدرت همراهی می‌کردند، اکنون از اووری گردان شده‌اند.

#### ترکش‌های پروژه بر حاشیه

گرچه نیاز به آرای مثبت پایگاه حمایتی تازه، انگیزه اردوغان برای هر چرخش به سوی کردها را توضیح داده و تبیین می‌کند، اما این حرکتی پرسرریک است و تضمینی برای موفقیت آن وجود ندارد. افکار عمومی غالب در ترکیه نسبت به پ.ک.ک بسیار محتاط و بدبین است و خود کردها نیز اعتماد چندانی به نهادهای حکومتی ترکیه ندارند. بنابر این، چنین توافقی به‌هیچ‌وجه به‌اسانی قابل اجرا و پذیرش نیست. براساس گزارش‌ها، نخستین گام در این مسیر روز جمعه به‌تحويل بخشی از سلاح‌های پ.ک.ک در شمال عراق بر داشته شده؛ کردهای عضو حزب کارگران کردستان در منطقه کردنشین سلیمانیه سلاح‌های خود را تحویل دادند. از طرفی دیگر در حالی که اردوغان به‌طور علنی از پروژه «ترک‌ه‌عاری از ترور» برای آشتی با کردها دفاع می‌کند، همزمان نشان داده که به‌خوبی از خطرات آن آگاه است. او اذعان کرده که این پروژه با «اقدامات یکبارگانه» در درون کشور و حتی در درون صفوف پ.ک.ک مواجه خواهد شد و در همین راستا اردوغان که از واکنش‌های منفی احتمالی به توافقی با پ.ک.ک آگاه‌است، در سخنرانی اخیر خود در پارلمان تلاش کرد از پیش، هر گونه حمله سیاسی را خنثی کند؛ حملات چهره‌هایی که ممکن است مدعی شوند چنین توافقی توهینی به جان‌باختگان یا جانبازان این درگیری‌ها خواهد بود-و گفت: «در تلاش برای ساختن ترکیه‌ای عاری از ترور، هرگز گامی برداشته نمی‌شود که یاد شهیدان‌مان را خدشه‌دار کرده یا روح آنها را زده‌سازد. با الهام از ارزش‌هایی که شهیدان‌مان جان خود را برای آنها فدا کردند، کشور را از فاجعه‌ای نیک‌فره نجات می‌دهیم و این زنجیر خونین را به کلی از میکر می‌پیمان‌بر می‌داریم».

#### گذار از فاز سرسمدی به روند با حقیقت؟

عبدالله‌وجالان، رهبر زندانی پ.ک.ک، نیز روز چهارشنبه در نخستین پیام ویدیویی خود از سال ۱۹۹۹ تاکنون اعلام کرد که جنبش پ.ک.ک هدف دیرینه‌اش برای تشکیل کشور مستقل کردی به پایان رسیده‌است، چرا که به گفت‌و «در سمیت شناخته شدن موجودیت کردها» -هدف اصلی- محقق شده‌است. او گفت: «موجودیت کردها به رسمیت شناخته شده و بنابر این هدف اصلی به دست آمده‌است. از این منظر، آن مرحله مبارزه مسلحانه اکنون منسوخ شده است... این سکنه گذار دواطلبانه است، گذار از مرحله مبارزه مسلحانه به مرحله سیاست دموکراتیک و حقوقی. این یک شکست نیست، بلکه باید به عنوان یک دستاورد تاریخی تلقی شود». هیچ مساله‌ای در سیاست ترکیه به اندازه مناقشه کردها تلخ و پرتنش نیست. برخی کردها خود را «بزرگ‌ترین ملت بدون کشور» در جهان می‌دانند؛ میلیون‌ها کرد در کشورهای همسایه مانند عراق و سوریه زندگی می‌کنند و در ترکیه نیز حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. بسیاری از کردها می‌گویند که از زمان تاسیس جمهوری ترکیه (بیش از یک قرن پیش) حقوق اولیه‌شان نادیده گرفته شده و همواره با سرکوب روبه‌رو بوده‌اند. در مقابل، بسیاری از ترک‌ها، پ.ک.ک را که سال‌ها علیه دولت مرکزی جنگیده، یک گروه تروریستی می‌دانند و اوچالان- که تمام قرن ۲۱ را در زندانی در یک جزیره سیری کرده- را قاتل می‌خوانند. با توجه به دامنه انفجاری احساسات پیرامون اوچالان، اینکه چنین چهره‌ای اکنون نقشی محوری در تحقق توافقی اردوغان ایفا می‌کند، امری شگفت‌انگیز است.

عبدالله‌وجالان که با لقب «آپو، به معنای عمو» شناخته می‌شود، به اتهام خیانت و تجزیه‌طلبی، دوران



### رئیس‌جمهوری ترکیه چرا برای مصالحه با کردها خیز برداشته است؟

# برگ‌برنده اردوغان

در آن هیچ اشار‌های به حقوق فرهنگی، زبانی یا حقوق اداری کردها نشده بود؛ او ادامه داد: «این تأملیدی در تمام شهرهای کردنشین قابل لمس است. کوچک‌ترین شور و اشتیاقی نسبت به این روند وجود ندارد. دلیل اصلی آن، بی‌اعتمادی کردها به دولت اردوغان و حزب عدالت و توسعه است.» بی‌بی‌اقتصادی متقابل، بخشی از میراث شکست‌های گذشته در مذاکرات و مصالحه است؛ همچنین از این واقعیت‌نشأت می‌گیرد که تلاش اردوغان برای توافق، در شرایطی انجام می‌شود که سرکوب گسترده‌ای علیه مخالفان سیاسی در جریان است. ایک اوزبی، مفسر سیاسی در شبکه سکولار «سوزجونی‌وی»، نیز بر این باور است که اقدامات اخیر دولت ترکیه برای آشتی با کردها، نه‌صادقانه است و نه امیدبخش.

او گفت: «همی‌توان از دموکراسی سخن گفت وقتی مقامات منتخب در زندان هستند... استقلال قوه قضاییه تا این حد محل بحث و تردید است.» اگر دموکراسی وجود ندارد، چگونه می‌توانیم آن را محقق کنیم؟» در جریان تهیه این یادداشت، چند تن از چهره‌های نزدیک به دولت و رهبر ملی‌گرای افراطی، دولت باحجلی باشد؛ فردی که اکنون به عنوان متحد اصلی اردوغان، به‌ه او برای حفظ اکثریت در پارلمان یاری می‌رساند. در سال ۲۰۰۷، باحجلی خواستار اعدام اوچالان شد. ده سال پیش نیز، هنگامی که اردوغان بار دیگر تلاش کرد با پ.ک.ک وارد مذاکره شود، باحجلی شدیداً به او تاخت‌ا‌مت؛ فردی گذشته، او در یکی از چرخش‌های ناگهانی و شگفت‌انگیز که گنگاه سیاست ترکیه را درگون می‌کند، اعلام کرد که در صورتی که اوچالان پ.ک.ک را منحل کند، می‌تواند در پارلمان سخنرانی کند؛ اهمیت چنین تغییر موضعی را نمی‌توانست کم گرفت -گویی بنیامین نتانیاهو به حماس دعوت رسمی فرستاده باشد- همه این تحولات، با هدایت اردوغان صورت گرفت. نتیجه آن بسیار تأثیر گذار بود. در تاریخ ۲۷ فوریه، اوچالان پیامی عمومی از زندان

#### یکه‌تازی در میدان

در میان حامیان دولت، معاون رئیس کمیته امور بین‌الملل حزب عدالت و توسعه (AKP)، اذعان کرد که بی‌اعتمادی ترکیه همچنان نسبت به توافقی با پ.ک.ک با احتیاط برخورد می‌کند، اما اردوغان را تنها فردی دانست که توانایی اجرای این روند را دارد. او به پولیتیکو گفت که پ.ک.ک حدود ۱۰ سال پیش به استانه خلع سلاح- سیده بود، اما «به‌دلیل تغییرات و پویای

# POLITICO

منتشر کرد؛ پ.ک.ک خواست سلاح‌های خود را زمین بگذارد و این جنبش را منحل کند. اوچالان، نقش ره‌رو نفر-فرارخوان دولت باحجلی و اراده سیاسی اردوغان- را در «ایجاد فضای مناسب» برای خلع سلاح پ.ک.ک مورد تمجید قرار داد؛ او افزود: «من مسوولیت تاریخی این فراخوان را بر عهده می‌گیرم. کنگره تان را بر گزار کرده و تصمیم بگیر؛ همه گروه‌ها باید سلاح‌ها را زمین بگذارند و پ.ک.ک باید منحل شود». کنگره پ.ک.ک نیز در تاریخ ۱۲ مهر، رسماً پایان مبارزه مسلحانه را اعلام کرد و افزود که این گروه «ماموریت تاریخی خود را به انجام رسانده» و همان‌طور که اوچالان خواسته بود، «تمام فعالیت‌هایی که تحت نام پ.ک.ک انجام می‌شد، متوقف شده‌اند.» این بیانیه در آنکارا با استقبال مواجه شد. اما تاکنون قمار سیاسی دولت باحجلی و اردوغان به‌طور کامل به نتیجه نرسیده‌است. بی‌تردید، مسیر پیش‌رو هنوز هم کار زیادی می‌طلبد. در ادامه همین روند، پس از پیام سرنوشت‌ساز اوچالان در فوریه، منابع انسانی او در زندان ایمرلی افزایش یافت. بنا بر گفته سیاستمداران حزب دموکراسی خلق، حزب طرف‌دار کردها که باشریه پولیتیکو صحبت کرده‌اند، سه زندانی دیگر نیز برای گسترش تیم مذاکره به ایمرلی منتقل شدند.

#### چالش بی‌اعتمادی

نورجان بایسال، فعال حقوق بشر کرد و نویسنده کتاب «ها وجود داریم: کرد بودن در ترکیه»، در این باره گفته است: «پس از کردها همچنان نسبت به دولت بی‌اعتماد هستند. او در گفت‌وگو با پولیتیکو تأکید کرد: «دولت این روند را به عنوان فرآیند ساخت ترکیه‌ای عاری از ترور معرفی می‌کند و می‌کوشد آن را به موضوع خلع سلاح و انحلال صرف پ.ک.ک محدود کند. اما این صلح نیست» بایسال افزود: بیانیه اوچالان که در فوریه صادر شد مبنی بر انحلال پ.ک.ک، بسیاری از کردها را ناامید کرد؛ چراکه

نیز توافقی نامه‌ای در این باره امضا کرده‌اند. این تحولات امیدوارکننده‌است.»

#### رئیس‌جمهور مادام‌العمر؟

برخی ناظران بر این باورند که اردوغان- که سیاستمداری قدرتمند و باهوش محسوب می‌شود- در تلاش است با استفاده از روند حل مساله کردها، چه در داخل و چه خارج از کشور، حضور خود در قدرت را تمدید کند و با جذب نمایندگان کرد به اردوگاه خود، جایگاهش را تقویت نماید. این همان دیدگاهی است که سزایی، تملی، نایپر، بیس فراکسیون حزب دموکراتیک خلق‌ها (DEM)، نیز مطرح می‌کند. با این حال، او نسبت به موفقیت این سیاست با توجه به روند کلی عقب‌گرد دموکراتیک در ترکیه، تردید دارد. تملی استدلال کرد که بازداشت اکرم امام‌اوغلو، شهردار استانبول و رقیب اصلی اردوغان، به روند آشتی آسیب زده است و افزود: «حل دموکراتیک مساله کردها و فرآیند دموکراتیزه شدن ترکیه، رابطه‌ای هم‌بستگی دارند و نمی‌توان یکی را بدون دیگری پیش برد.» این سیاستمدار خاطرنشان کرد که از تلاش اردوغان برای بهره‌برداری سیاسی از این روند جهت ماندگاری در قدرت تعجب نخواهد کرد، اما یادآور شد که پس از پیروزی در انتخابات، مساله کردها حل خواهد کرد.

سزایی تملی گفت: «چه کسی از مساله کردها استفاده نمی‌کند؟ بعضی برای رسیدن به قدرت از آن بهره می‌برند، بعضی دیگر برای ماندن در قدرت. امامامی گویم این مساله تنها زمانی قابل حل است که به‌طور کامل از محاسبات انتخاباتی و قدرت برداشد شود.» اردوغان تاکنون سه دوره رئیس‌جمهور بوده و برای ماندن در قدرت ممکن است نیاز به تغییر قانون اساسی داشته باشد. با وجود حمایت دولت باحجلی، ائتلاف فعلی اردوغان اکثریت کافی برای اصلاحات قانون اساسی را در اختیار ندارد. بر این ممکن است اردوغان به حمایت‌نماینده‌گان کرد در مجلس امید بسته باشد. او هم‌اکنون نیز آشکارا از ضرورت تدوین قانون اساسی جدید سخن می‌گوید؛ قانونی که جایگزین منشور سال ۱۹۸۰ شود؛ قانونی که توسط رژیم نظامی پس از یک کودتای خونین تدوین شده بود.

معاون حزب عدالت و توسعه در امور بین‌الملل، در این باره تأکید کرد: «ترکیه برای نخستین بار در تاریخ خود فرصت واقعی دارد تا نخستین قانون اساسی مدنی‌اش را تدوین کند. این فرصتی مهم برای همه‌ات است که کشورى مرفه‌تر، عادلانه‌تر و امن تر بنا کنیم.» اما همه با این نگاه موافق نیستند. برخی با نگاهی به اصلاحات قانون اساسی گذشته در دوران اردوغان می‌گویند هدف اصلی از هر گونه بازنگری جدید در قانون اساسی، همچون گذشته، پیشبرد جاه‌طلبی‌های سیاسی رئیس‌جمهور است. سونر چاگاپاتلی، فعال در موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، می‌گوید: اردوغان مانند «یک رایانه‌موازی» عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که هم‌زمان دو راهبرد متضاد سیاسی را اجرامی کند- سرکوب مخالفان اصلی و در عین حال، دست‌اندازی به‌سوی کردها برای حفظ قدرت و به حمایت‌شان نیاز دارد- بدون آنکه این سیاست‌های متضاد با یکدیگر در تضاد قرار بگیرند.

چاگاپاتلی به پولیتیکو گفت: «برای به دست آوردن یک دوره دیگر ریاست‌جمهوری دست به‌هر کاری خواهد زد و سپس، عملاً خودش را به عنوان رئیس‌جمهور مادام‌العمر تثبیت خواهد کرد.» اما بایسال یادآور شد که همه چیز به جاه‌طلبی‌های اردوغان بستگی ندارد.

او گفت: «اردوغان سیاستمداری است که توانایی بهره‌برداری از هر مساله‌ای به‌سود خود را دارد و برای استفاده از برای از مساله کردها تردیدی به خود راه نخواهد داد. او قطعاً می‌خواهد از این موضوع برای تمدید دوران ریاست‌جمهوری‌اش بهره‌برداری کند.» با این حال، به گفته بایسال، تصمیم‌نهایی فقط به رئیس‌جمهور بستگی ندارد. در نهایت، اینکه آیا درگیری ترازیک کرد‌ها در نظام به تاریخ سپرده خواهد شد- و اینکه آیا اردوغان از آن سود خواهد برد- تا حد زیادی به خود کردها منوط است. او گفت: «فکر می‌کنم مساله اصلی این نیست که آیا او (اردوغان) آن را می‌خواهد یا نه، بلکه این است که آیا خود کردها را می‌خواهند یا نه»

نویسنده و روزنامه‌نگار ترک

## رمز گشایی از روند خلع سلاح پ.ک.ک و اهداف راهبردی دولت اردوغان

دوم، ترکیه با توجه به موقعیت جغرافیایی، قدرت نظامی، ظرفیت اقتصادی و انسجام نسبی ساختار سیاسی‌اش، اکنون در جایگاهی قرار دارد که می‌تواند در سطوح بالاتر منطقه‌ای، نقشی تعیین‌کننده ایفا کند.

این کشور طی سال‌های اخیر، با وجود اشتباهات و آزمون‌وخطاهای متعدد، به نوعی بالانس همزمان با قدرت‌های رقیب جهانی از امریکا تا روسیه و چین و همچنین با بازیگران منطقه‌ای همچون ایران و اسرائیل رسیده‌است. چنین موقعیتی، قدرت مانور ترکیه را برای حل مسائل داخلی، از جمله مساله کرد، افزایش داده‌است.

در منطقه خاورمیانه وارد فاز جدیدی از تحولات امنیتی شده‌است. تجربه‌های تلخ ناشی از ظهور و خشونت داعش، موجب تضعیف ظرفیت کشتگری نظامی گروه‌های غیردولتی در قالب گذشته شده است. گروه‌های قومی و مذهبی که در دهه‌های گذشته عموماً به عنوان ابزار موازنه‌سازی دولت‌ها به کار گرفته می‌شدند، اکنون تا حد زیادی کارکرد نظامی خود را از دست داده‌اند.

به عبارت دیگر، منطقه در حال عبور از یک فاز تاریخی است که در آن، نقش گروه‌های نیابتی در عرصه نظامی به حداقل می‌رسد. پس از رویداد ۷اکتبر و پیامدهای آن، این روند شمول منطقه‌ای پیدا کرده و به‌وضوح قابل مشاهده‌است.

چهارم، در تریبات امنیتی جدیدی در حال شکل‌گیری است که بر اساس سلسله‌مراتب قدرت دولت‌ها پایه‌گذاری می‌شود. در این سلسله مراتب، ترکیه به دلیل مولفه‌های یاد شده، جایگاه بالادستی پیدا کرده و این امکان را دارد که برخی مسائل دیرینه داخلی، مانند مساله کرد را در پرتو شرایط منطقه‌ای جدید مدیریت و حتی حل و فصل کند. این نکته مهمی است که تحلیل پرونده خلع سلاح پ.ک.ک و روند آشتی با کردها را نباید صرفاً از چارچوبی داخلی دید، بلکه باید آن را بخشی از یک روند کلان تر دانست که در بستر تر تریبات امنیتی نوظهور خاورمیانه در حال شکل‌گیری است.

در مجموع، هر چند هنوز برای سخن گفتن از یک نظم منطقه‌ای جدید زود است، اما نشانه‌های روشنی از تغییر در ترکیب‌های امنیتی قابل شناسایی است. در این ترکیب‌ها، نقش گروه‌های نیابتی به حداقل می‌رسد و قدرت‌های دولتی همچون ترکیه در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که می‌توانند روندهایی همچون مصالحه با اقلیت‌ها را به عنوان الگو به نمایش بگذارند.

مساله کردها همچنان دارای ابعاد منطقه‌ای قابل توجهی است که ریشه در ذات این مساله دارد و نمی‌توان انتظار داشت این ویژگی به‌زودی تغییر یابد. در این حال، رویکردهای طرفین بیش از پیش به سمت تنظیم و انطباق با یک ترکیبات جدید منطقه‌ای گرایش یافته‌است. در این فرآیند، موضوع هویت و فرهنگ کردها در قالب بازنمای‌های نوین مطرح می‌شود و گفتمان‌های حقوقی و عدالت‌خواهانه همه را نرم‌های اصلی مبتنی بر حقوق بشر، به عنوان چارچوب‌های اصلی برای پیشبرد مطالبات مطرح می‌شوند.

امروز در دیگر صحنه مبارزه صرفاً میدان‌های عملیاتی و اقدامات پارتنزانی نیست، بلکه عمدتاً در فضای رسانه‌ای و سیاستمداری داخلی و منطقه‌ای شکل می‌گیرد. از این رو، گروه‌های کردی تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از این فضا، هویت و مطالبات خود را پیگیری کنند؛ ضمن آنکه گفتمان‌های جهانی حقوق بشر نیز می‌تواند به عنوان حامیان این جریان در عرصه بین‌المللی عمل نمایند.

با توجه به این تحولات، می‌توان انتظار داشت روند صلح و آشتی میان طرفین با فشار و فرودهایی همچنان ادامه یابد و این پروسه به صورت برگشت‌ناپذیری در جریان باشد. البته، نمی‌توان با قطعیت و خوش‌بینی مطلق درباره زمان‌بندی یا روند پیشرفت آن سخن گفت؛ چرا که مساله کرد، زخم کهنه‌ای تاریخی است که به درمانی زمان‌بر نیاز دارد.

در خصوص کردهای سوریه نیز، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، این موضوع جلوه‌گری بخشی از مساله کرد منطقه‌ای است و نشان‌دهنده نفوذپذیری و دستکاری قدرت‌های منطقه‌ای در این پرونده است. این موضوع یکی از گرهِ‌هایی است که می‌تواند روند مذاکرات را با چالش‌های جدی مواجه کرده و مسیر مصالحه را دچار دست‌انداز نماید.

علاوه بر این، ما با مانعی بزرگ به نام اسرائیل در روند ایجاد تر تریبات امنیتی منطقه‌ای مواجه هستیم. خصلت سلطه‌گری و هژمون‌طلبی این بازیگر، به ویژه پس از جنگ دوازده روزه اخیر علیه تمامیت ارضی کشورمان، اختلالات بیشتری را در مسیر امنیت منطقه ایجاد کرده‌است. مساله کردهای سوریه نیز به‌طور کامل تحت تأثیر این شرایط قرار دارد.

این موضوع اهمیت دارد که مساله کردهای سوریه و دیگر گروه‌های قومی و مذهبی منطقه را تباط‌نزدیکی با امنیت اسرائیل و منافع امریکا به عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای دارند. این تأثیرات برون سیستمی، خارج از چارچوب‌های مرسوم منطقه‌ای، نقش مهمی در شکل‌گیری و تحولات امنیتی خاورمیانه ایفا می‌کند و اغلب نتایج منفی و پیچیده‌ای به دنبال دارد. رقابت ژئوپلیتیکی و هویتی میان اسرائیل و ترکیه یکی از عوامل شکل‌دهنده و موثر بر پوش‌های منطقه‌ای خواهد بود.

کارشناس مسائل ترک

#### جغفر حق‌پناه



در فاصله چهار تا پنج ماهه‌ای که از اعلام رسمی عبدالله‌وجالان برای خلع سلاح نیروهای پ.ک.ک از زندان امرالی می‌گذرد تا روزهای اخیر که گامی نمادین در همین راستا برداشته شد، شاهد تحول ویژه‌ای در صحنه میدانی نبودیم. تنها نکته قابل توجه در روزهای گذشته، احیای مذاکرات پنهانی در همین چارچوب بود؛ مذاکراتی که جان تازه‌ای به روند خلع سلاح بخشید و به صورت نمادین، برخی رهبران و نیروهای پ.ک.ک اعلام کردند سلاح را کنار گذاشته‌اند. هم‌زمان، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در یک سخنرانی رسمی این رویداد را تاریخی خواند و تأکید کرد که ترکیه وارد دوره پس از ترور و وحشت شده‌است و دورهای که به‌زعم او، بازگشت‌ناپذیر است و هیچ فاصله‌ای میان کرد، ترک و عرب در داخل کشور باقی نمانده‌است. این سخنان در داخل ترکیه با استقبال قابل توجهی روبه‌رو شد، هر چند این استقبال عمدتاً ازسوی نخبگان و رسانه‌های نزدیک به دولت صورت گرفت. رسانه‌های حاکمیتی ترکیه توجه ویژه‌ای به آن نشان دادند، اما هنوز واکنش معنادار و مستقلی ازسوی نخبگان، احزاب یا گروه‌های اصلی کردی مشاهده نشده‌است. در واقع، دولت ترکیه تلاش می‌کند اِیسن پروژه را به عنوان یک دستاورد تاریخی جا بیندازد و آن را به نام خود ثبت کند؛ امری که با شناختی که از حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان داریم، دور از انتظار نیست. او استادانمایش‌های قدرت است و به خوبی می‌داند چگونه یک اتفاق را به فرصت رسانه‌ای و امتیاز سیاسی بدل کند. در همین چارچوب، مراسم اخیر خلع سلاح نمادین به سرعت بُعدی بین‌المللی به خود گرفت؛ به گونه‌ای که نمایندگان از دولت ترکیه، اقلیم کردستان عراق و دولت مرکزی عراق نیز در آن حضور داشتند. اعلام شد که هماهنگی‌هایی در سطح ائتلاف‌های منطقه‌ای نیز صورت گرفته‌است. این مساله نشان می‌دهد که فعلاً اهمیت سیاسی و رسانه‌ای این اقدام بر جنبه‌های اجرایی و عملی آن پیشی گرفته‌است.

نفس اعلام تمایل و حسن‌نیت دو طرف برای کنار گذاشتن سلاح و حرکت به سمت پروژه آشتی و مصالحه، فی‌نفسه گامی مثبت و مهم تلقی می‌شود. هر دو طرف تلاش دارند پیش‌دستی کرده و خود را آغاز روند صلح معرفی کنند. با این حال، واقعیت این است که پیاده‌سازی این روند، در عمل، بسیار پیچیده و زمان‌بر خواهد بود. هزاران جنگجوی حزب کارگران کردستان همچنان در ارتفاعات قنبدیل در شمال عراق و در مناطقی از خاک سوریه مستقر هستند. مقرهای آنان هنوز بابر جاست و تخلیه نشده‌اند. ملاحظات فنی و محاسبات امنیتی متعددی در این مسیر وجود دارد. بی‌اعتمادی متقابل میان طرفین همچنان بالاست و پرسش‌های اساسی درباره اولویت‌بندی گام‌های بعدی، همچون اینکه چه کسی باید نخستین حرکت عملی را انجام دهد، بی‌پاسخ می‌ماند.

ازسوی دولت ترکیه نیز تاکنون اقدامی مشخص در خصوص برداشتن گام‌های قانونی و قضایی بعدی مشاهده نشده است؛ از جمله اقداماتی که می‌تواند زمینه بازگشت جنگجویان پ.ک.ک به زندگی عادی، شهرهای محل زندگی و فرآیند ادغام مجدد در جامعه را فراهم آورد. این وضعیت البته قابل درک است، چرا که با پرونده‌ای چهل و پنج‌ساله، پیچیده و متراکم روبه‌رو هستیم که نه تنها به سادگی حل نمی‌شود، بلکه باید انتظار داشت که روند آن، اگر آغاز شود، طولانی و پرچالش باشد.

یکی از نکات قابل توجه در تحولات اخیر مربوط به خلع سلاح نمادین نیروهای حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) این است که دو طرف، هم دولت ترکیه و هم جریان‌های کردی، هر یک در تلاش‌اند این رخداد را به نام خود ثبت و آن را به عنوان یک دستاورد بزرگ به جامعه داخلی و فضای منطقه‌ای معرفی کنند. از منظر دولت اردوغان، این فرآیند نه تنها کاربرد داخلی برای تحکیم جایگاه حزب عدالت و توسعه دارد، بلکه می‌تواند به‌مثابه برگ برنده‌ای در انتخابات آتی و در تعاملات سیاسی با رقیب، به ویژه احزاب کردی، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در سطح منطقه‌ای نیز اردوغان به خوبی آگاه است که مساله کردها، دیگر صرفاً یک چالش داخلی نیست، بلکه ماهیتی منطقه‌ای پیدا کرده و حل و فصل آن می‌تواند برای ترکیه اعتباری ژئوپلیتیکی به همراه داشته باشد. در مقابل، جریان‌های کردی نیز می‌کوشند خود را در این روند به عنوان طرفدار صلح و ثبات معرفی کنند. به نظر می‌رسد نوعی پروژه «ماندلاسازی» از عبدالله‌وجالان در حال شکل‌گیری است؛ الگویی که خود او نیز در نوشته‌ها و بیانیه‌هایش به آن اشاراتی داشته و گوینده‌هایی را القا کرده‌است.

در پرتو تحولات منطقه‌ای اخیر، چند نکته اساسی در تحلیل این فرآیند قابل طرح است: اول آنکه، دولت در خاورمیانه همچنان بازیگر کلیدی باقی مانده‌است. برخلاف تصور برخی، نظم منطقه‌ای هنوز دولت‌محور است و به همین جهت، بازیگران غیردولتی همچون گروه‌های قومی یا مذهبی، هر چند نقش آفرین، اما در مدار و چارچوب منافع و بازی قدرت دولت‌ها تعریف می‌شوند. بنابر این، حزب کارگران کردستان نیز تاگزیر مستدار بازی خود را در قالب جدید و تعامل با ساختارهای دولتی باز تعریف کند.